

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

هشدارهای صریح حوزه

در شرایطی که حملات ددمنشانه آمریکا به مناطق مختلف کشورمان و شهادت روزانه ده‌ها شهروند ایرانی، بند بند تفاهم‌نامه میان روسای جمهور ایران و آمریکا را دچار فروپاشی کرده، هشدار علما و اساتید حوزه‌های علمیه کشور به مقامات ارشد اجرایی و رئیس دستگاه دیپلماسی به سطح کم‌سابقه‌ای رسیده است. این در حالی است که برای رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه کشورمان، در همچنان بر پاشنه سابق می‌چرخد و مشخص نیست هشدارها و اندازهای قم کارگر خواهد افتاد یا خیر.

۳



انتقاد از پخش سخنان امام شهید

رئیس‌جمهور به جای پذیرش مسئولیت
خود در تفاهم‌نامه میان او و ترامپ،
به روایت ناقص از رهبر شهید انقلاب
درباره مذاکره پرداخت ۲



پرونده واگذاری
ایران خودرو در انتظار
رای قوه قضائیه ۵

پیام تبریک
شیخ نعیم قاسم
به خلیل الحیه ۶



گفت‌وگوهایی برای بازتعریف جامعه

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

مدتی است برنامه‌هایی گفتگو محور در فضای مجازی در حال رشد هستند که اگرچه هرکدام ظاهراً موضوعی متفاوت را دنبال می‌کنند، اما در نهایت به یک نقطه مشترک می‌رسند؛ اثرگذاری بر ذهن و ادراک مخاطب و بازتعریف ارزش‌های سیاسی و اجتماعی جامعه. برخی از این برنامه‌ها پیش از جنگ، با دعوت از چهره‌های برانداز و مخالف جمهوری اسلامی عملاً به تریبونی برای آنان تبدیل شده بودند و حتی حمله به ایران را نرمالیز می‌کردند و برخی دیگر نیز با ادبیات متفاوتهای همان ارزش‌ها و انگاره‌ها را در قالبی شیک‌تر و قابل قبول تر بازتولید می‌کردند.

متن کامل در صفحه ۸

صفحه ۱۱

سیاست خارجی

باز هم نسخه نجات و اشنگتن؟

همزمان با افزایش قیمت نفت در پی تشدید ناامنی در منطقه و انتشار گزارش‌هایی درباره تلفات سنگین آمریکا در دور جدید جنگی که از ۱۷ تیر آغاز شده، تلاش‌ها برای متوقف کردن پاسخ‌های کوبنده ایران، این بار با واسطه‌گری قطر و پاکستان از سوی آمریکا، شتاب گرفته است.

صفحه ۱۴

اقتصادی

واکنش نگران نفت به بسته شدن باب المندب

قیمت جهانی نفت پس از بسته شدن دوباره تنگه هرمز از هفته گذشته افزایش یافت و به مرز ۹۰ دلار رسیده بود. با این حال، با اقدام یمنی‌ها و پس از بازگرداندن شدن دو کشتی پاکستانی حامل نفت عربستان، قیمت نفت برنت به بالای ۹۱ دلار در هر بشکه رسید.

رئیس جمهور به جای پذیرش مسئولیت خود در تفاهم نامه میان او و ترامپ، به روایت ناقص از رهبر شهید انقلاب درباره مذاکره پرداخت

انتقاد از پخش سخنان امام شهید

است برخی جریان های سیاسی هرگاه تصمیمی با شکست و تبعات آن مواجه می شود، به جای پذیرش مسئولیت، پشت روایت های مبهم از جلسات خصوصی پنهان می شوند و هزینه تصمیمات خود را به رهبری منتقل می کنند؛ اما به نظرمی رسد پیام تاریخی «علی الاصول نظر دیگری داشتم» پایان این بازی سیاسی باشد.

مسعود پزشکیان بار دیگر برای توجیه مذاکره با آمریکا، پای مواضع خصوصی ادعایی رهبر شهید انقلاب را به میان کشید و هم زمان صداوسیما را متهم کرد که تنها بخشی از سخنان ایشان را به مردم منتقل می کند؛ ادعایی که با تصریح روشن رهبر شهید انقلاب درباره یکی بودن مواضع علنی و خصوصی شان در تعارض آشکار است. سال ها



سعید قاسمی

روزنامه نگار

و وحدت آفرین رهبر عالی قدر انقلاب اسلامی و حمایت ایشان از سران سه قوه و مسئولان کشور مهم ترین پشتوانه و سرمایه در جهت صیانت از منافع ملی و سربلندی ایران اسلامی است. پابندی به لوازم اتحاد مقدس و پرهیز از اختلاف و تفرقه رمز پیروزی در این بزنگاه تاریخی است. «ما رئیس جمهور تنها دو روز بعد از نوشتن این توثیق، بار دیگر به سبک ماه های اخیر صداوسیما را مورد نقد قرار داد. این درحالی است که صداوسیما در ماه های گذشته بارها تریبون خود را در اختیار دولت و حامیان آن قرار داده است؛ از حضور مستمر اعضای دولت در برنامه های مختلف گرفته تا دعوت از کارشناسان حامی دولت و دفاع از مواضع دولت در موضوعات مختلف و حتی تفاهم نامه. با این حال، ظاهراً در منطق دولت، وحدت زمانی مطلوب است که منتقدان سکوت کنند و به محض آنکه نقدی متوجه عملکرد دولت می شود، رسانه ملی به متهم اصلی تبدیل می شود.

کاش رئیس جمهور، که هم زمان رئیس شورای عالی امنیت ملی نیز هست، به جای این حجم از حمله به صداوسیما و منتقدان داخلی، بخشی از توان خود را صرف پاسخ به توهین های مکرر ترامپ علیه مردم ایران می کرد. ترامپ بارها به ملت ایران توهین کرده و کشور را تهدید کرده است؛ اما صدای اعتراض رئیس جمهور در برابر منتقدان داخلی، بلندتر از پاسخ او به رئیس جمهور آمریکا است.

مسئله ما این نیست که صداوسیما خطا ناپذیر است یا دولت حق نقد ندارد؛ مسئله این است که نمی توان از یک سو پیام وحدت رهبر انقلاب را «مهم ترین پشتوانه» دانست و از سوی دیگر، تنها دو روز بعد، یکی از مهم ترین نهاد های رسمی کشور را آماج حمله قرار داد.

که برای افکار عمومی سخنی بگوید و در جلسات خصوصی موضوعی کاملاً متفاوت اتخاذ کند. بنابراین نمی توان هر تصمیمی را با ادعای اینکه «در جلسات خصوصی ایشان نظر دیگری داشتند» توجیه کرد و در عین حال، تصریح روشن رهبر شهید انقلاب درباره یکی بودن مواضع علنی و خصوصی را نادیده گرفت. طی سال های گذشته، جریان اصلاح طلب و غرب گرا بارها از همین شیوه برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرده است؛ گاهی با این ادعا که رهبری در جلسات خصوصی مخالف نیستند و گاهی با این روایت که آنچه در رسانه ها مطرح می شود، تمام نظر ایشان نیست. نتیجه این روند نیز روشن بوده است؛ تصمیمات سیاسی به نام رهبری پیش رفته و هنگام آشکار شدن تبعات آن، مسئولیت از دوش تصمیم گیرندگان برداشته شده است.

منسوب کردن تصمیمات به رهبری تا جایی ادامه داشت که حتی تفاهم نامه بین پزشکیان و ترامپ را هم ذیل رضایت رهبر معظم انقلاب معرفی کردند اما پیام تاریخی رهبر انقلاب و بیان اینکه «علی الاصول نظر دیگری داشتم»، عملاً این مسیر را مسدود کرد. در واقع مشخص شد که پس از این، نمی توان از رهبری برای توجیه تصمیمات سیاسی هزینه کرد و هرگاه با اعتراض افکار عمومی مواجه شد، به یک «روایت ناقص» پناه برد. مسئولیت هر تصمیمی باید بر عهده تصمیم گیرندگان آن باشد و دولت اگر به مذاکرات و تفاهم نامه خود باور دارد، باید از آن با استدلال خودش دفاع کند.

دیوار کوتاه صداوسیما

اما نکته مهم بعدی این است که پزشکیان پس از توصیه اخیر رهبر انقلاب مبنی بر حفظ وحدت، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «پیام حکیمانه

مسعود پزشکیان روز سه شنبه در مراسم روز ملی گرامی داشت صنعت و معدن، بار دیگر صداوسیما را مورد انتقاد قرار داد و گفت: «اگر چه صدا و سیما تنها بخشی از سخنان رهبر شهید درباره عدم مذاکره را پخش می کنند، اما در جلسات خصوصی با معظم له، ایشان بر ضرورت خاتمه دادن به این وضعیت تأکید داشتند. برای همین، با تکیه بر عزت، مصلحت، حکمت و سربلندی کشور، مذاکرات را آغاز کردیم و دستگاه دیپلماسی ما هرگز از حقوق ملت ایران کوتاه نخواهد آمد.» این اظهارات اما یک مسئله مهم تر از اختلاف میان دولت و صداوسیما را پیش می کشد؛ مسئله ای که سال هاست برخی جریان های سیاسی تلاش کرده اند با استفاده از آن، مسئولیت تصمیمات خود را به رهبر شهید انقلاب منتقل کنند. در واقع هرگاه یک تصمیم سیاسی با انتقاد جدی مواجه می شد، ناگهان روایت هایی از جلسات خصوصی و مواضعی که در محافل غیر علنی مطرح شده، به میدان می آمد تا تصمیم مذکور را به رهبر شهید مرتبط کرده و به نوعی منتقدان را خاموش کنند.

این درحالی است که رهبر شهید انقلاب در جلسه با مسئولان نظام در تاریخ دوم تیرماه ۱۳۹۴ صراحتاً فرمودند: «آنچه بنده اینجا در این جلسه یا در جلسات عمومی می گویم، عیناً همان حرف هایی است که در جلسات خصوصی به مسئولین، به رئیس جمهور محترم و به دیگران می گویم.»

این جمله به روشنی نشان می دهد که رهبر شهید انقلاب نسبت به شکل گیری دوگانه ای میان «مواضع علنی» و «مواضع خصوصی» حساسیت زیادی داشتند. در واقع ولی فقیه در جامعه اسلامی، یک رجل سیاسی ساده و یاسکولار نیست

خبر کوتاه

لبیک علمای شیعه و سنی جنوب کشور به ندای رهبر انقلاب

جمعی از علمای شیعه و اهل سنت ۴ استان جنوبی کشور این روزها در حال مقاومت در برابر تجاوز دشمن آمریکایی هستند، با صدور بیانیه ای به ندای رهبر معظم انقلاب در حفظ وحدت لبیک گفتند. در بخشی از این بیانیه آمده است: ما علمای شیعه و اهل سنت استان های هرمزگان، بوشهر و سیستان و بلوچستان و علمای شیعه استان خوزستان به نمایندگی از مردمان غیور این دیار، دوشادوش یکدیگر و در صفوفی به هم پیوسته (کآنهم بُنیان مُرصوص)، اعلام می داریم که خطه جنوب، تجلی گاه عینی «امت واحده اسلامی» و سنگر تسخیرناپذیر مقاومت است. خون های در هم آمیخته فرزندان شیعه و سنی این آب و خاک در طول تاریخ انقلاب، درخت تناور ایستادگی را چنان آبیاری کرده است که هیچ حربه ای از سوی جریان نفاق و استکبار نخواهد توانست کمترین خللی در این انسجام و برادری و وحدت عمومی در سایه ولایت (رُخماء بُیَنَهَم) ایجاد نماید. در بخشی از این بیانیه نیز آمده است: همان گونه که در پیام حکیمانه و مقتدرانه خویش بشارت دادید، دشمن آمریکایی و هم پیمانان آن باید بدانند که در صورت هرگونه جنگ افروزی و تکرار خطاهای محاسباتی، با طوفانی از قهر الهی و اراده های پولادین در این خطه مواجه خواهند شد. کرانه های خلیج نیلگون فارس، دریای مکران و جای جای خاک زرخیز جنوب، آوردگاه دائمی (اُشْداء غُلی الگُفَّار) و گورستان آرزوهای شوم استکبار جهانی است. ما به پشتوانه ایمان مردم سلحشورمان، عهد می بندیم که در برابر هرگونه تعدی، درس ها و عبرت هایی فراموش نشدنی و ضرباتی کوبنده تر از پیش برپیکره فرسوده استکبار جهانی وارد سازیم تا طعم تلخ هزینه های سنگین ترو بی آبرویی بیشتر را با تمام وجود بچشند.

انتقاد ثابتی از سازمان تبلیغات

امیرحسین ثابتی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون فرهنگی در واکنش به حواشی اخیر برنامه روایت جنگ نوشت: سازمان تبلیغات اسلامی جزو دستگاه های پرکار و فعال در دوره جنگ بود که باید به مجموعه عوامل آن خداقوت گفت اما نتیجه تصمیمات کاریکاتوری جزیره ای این میشود که همین مجموعه، با پول بیت المال اسپانسر تولید برنامه ای میشود که تحت عنوان روایت جنگ، ضد جنگ ترین محتوای ممکن را تولید میکند. سخنان عراقچی وزیر خارجه در این برنامه جدای از اینکه نشان داد ایشان چقدر خطای محاسباتی دارد و این تفکر چگونه باعث خسارات فراوان به کشور شده، مجموعه ای از اطلاعات مختلف در حوزه نظامی و امنیتی را مفت و مجانی افشا کرده که دستگاه های امنیتی باید به آن ورود کنند.

رحیم پورازغدی: مردم حق دارند بدانند در مذاکرات چه می گذرد

دکتر حسن رحیم پورازغدی استاد حوزه و دانشگاه و صاحب نظر شناخته شده اظهار داشت: تجربه سال های گذشته برای ملت ایران بسیار آموزنده بود. طرف آمریکایی نشان داد که هم زمان می تواند از مذاکره سخن بگوید، تحریم وضع کند، عملیات روانی انجام دهد، ترور کند و حتی جنگ به راه بیندازد. بنابراین سؤال این است که وقتی طرف مقابل در میانه مذاکره هم به تعهداتش پایبند نیست، چه تضمینی وجود دارد که پس از توافق به وعده های خود عمل کند؟ رهبر شهید انقلاب از ابتدا نسبت به این مسئله هشدار دادند. شروط مشخصی تعیین کردند و بارها تأکید کردند که به طرف مقابل خوش بین نیستند. بعد هم وقتی نتیجه روشن شد، صریحاً فرمودند که خسارت های سنگینی بر کشور تحمیل شد. امروز حتی برخی از مقام های سابق آمریکایی نیز اعتراف می کنند که در همان مذاکرات توانستند امتیازهای مهمی از ایران بگیرند، بی آنکه تعهدات اصلی خود را اجرا کنند. وی افزود: نکته مهم دیگر، ضرورت شفافیت است. مردم حق دارند بدانند در مذاکرات چه می گذرد. ابهام، میدان را برای شایعه و جنگ روانی دشمن باز می کند. همان گونه که در دوران دفاع و نبرد نظامی اطلاع رسانی مستمر انجام می شود، در حوزه دیپلماسی و اقتصادی نیز باید با مردم صادقانه و مستمر سخن گفت تا اعتماد عمومی حفظ شود.

نمایندگان مجلس: نمی‌توان منافع ایران را بر امضای دولتی پیمان شکن بنا نهاد

جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه شکاف و تفرقه حرکت کنیم.

تبیین صریح حضرت‌عالی درباره بدعهدی‌های مکرر آمریکا نیز بیانگر حقیقتی آزموده‌شده و انکارناپذیر است. نقض تفاهم‌ها و تعهدات، بار دیگر ثابت کرد که نمی‌توان منافع و امنیت ملت ایران را بر وعده و امضای دولتی بنا نهاد که زورگویی، یک‌جانبه‌گرایی و پیمان‌شکنی را به رویه‌ای مستمر تبدیل کرده است. از این رو، هرگونه تصمیم در عرصه سیاست خارجی باید بر پایه عزت، حکمت، مصلحت، تضمین‌های عینی و قابل‌راستی‌آزمایی و صیانت کامل از حقوق ملت ایران اتخاذ شود و در راستای تحقق این مسیر از همه ظرفیت‌های تقنینی و نظارتی مجلس شورای اسلامی استفاده خواهیم کرد.

صادر کردند. در بخش‌هایی از این بیانیه آمده است: پیام حکیمانه، وحدت‌آفرین و راهبردی مقام معظم رهبری حفظه‌الله افزون بر قدردانی شایسته از حماسه تاریخی ملت ایران در بدرقه «آقای شهید ایران»، منشوری روشن برای صیانت از عزت، استقلال، امنیت و انسجام ملی در این مقطع حساس است.

در بخش دیگری از این بیانیه خطاب به رهبر انقلاب آمده است: ما نمایندگان ملت، ضمن سپاس از این پیام روشن‌گرانه، به محضر حضرت‌عالی اطمینان می‌دهیم که رهنمودهای مطرح‌شده درباره حفظ «وحدت کلمه» و «اتحاد مقدس» را معیار رفتار و تصمیم‌گیری خود قرار دهیم و در راستای تقویت اقتدار کشور، تأمین منافع مردم و



نمایندگان مجلس شورای اسلامی به پاس قدردانی از حضور ملت شریف ایران در مراسم بدرقه آقای شهید و حمایت از پیام اخیر رهبری درباره حفظ وحدت و انسجام ملی بیانیه‌ای

پس از آیت‌الله اعرافی، آیت‌الله اراکی هم نسبت به روند مذاکرات و ضرورت تبعیت از رهبری هشدار داد

هشدارهای صریح حوزه

در شرایطی که حملات ددمنشانه آمریکا به مناطق مختلف کشورمان و شهادت روزانه ده‌ها شهروند ایرانی، بند پند تفاهم‌نامه میان روسای جمهور ایران و آمریکا را دچار فروپاشی کرده، هشدار علما و اساتید حوزه‌های علمیه کشور به مقامات ارشد اجرایی و رئیس دستگاه دیپلماسی به سطح کم‌سابقه‌ای رسیده است. این در حالی است که برای رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه کشورمان، در همچنان بر پاشنه سابق می‌چرخد و مشخص نیست هشدارها و اندازهای قم کارگر خواهد افتاد یا خیر.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

پایانی جنگ تحمیلی گفت: برخی مسئولان گفته بودند نمی‌توانند جنگ را ادامه دهند و امام راحل در آن شرایط فرمودند که جام زهرا نوشیدند. امروز نیز باید مراقب بود که ضعف‌ها و کاستی‌ها، رهبر جامعه را در موقعیت پذیرش تصمیمات ناخواسته قرار ندهد.

پزشکیان به مسیر رهبری بازگردند

پیش از آیت‌الله اراکی، آیت‌الله اعرافی، عضو فقهای شورای نگهبان و مدیر حوزه علمیه قم نیز هشدارهای صریحی درباره مذاکره و آتش‌بس داشت. او در این باره گفته بود: اکنون که رئیس‌جمهور آمریکا پایان تفاهم‌نامه را اعلام و جنگ را آغاز کرده و جهی برای پایبندی به آن باقی نمی‌ماند. وی افزود: شخص رئیس‌جمهور محترم جمهور که به نمایندگی از اعضای شعام در برابر رهبر معظم انقلاب و مردم غیور و مقاوم ایران متعهد به اجرای بند‌های تفاهم‌نامه و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی آمریکا شده‌اند و سایر اعضای شعام و فرماندهان و مسئولین دیپلماسی کشور باید تفاهم‌نامه را تمام‌شده تلقی کرده و راه جهاد و استقامت را در پیش بگیرند و با اطاعت تام از رهبر معظم انقلاب به همان مسیری که ایشان تشخیص داده‌اند، بازگردند.

بیانیه انقلابی خبرگان

هشدارهای علمایی چون آیات اراکی و اعرافی البته بی‌سابقه نیست. ۷ تیرماه امسال اکثریت قابل توجهی از اعضای خبرگان رهبری طی بیانیه‌ای تاریخی



خطاب به هیأت مذاکره‌کننده بر اصولی چون رعایت خطوط قرمز رهبری، موضوع تعیین متجاوز، مجازات عاملان مهدورالدم جنایت‌های کم‌نزیر جنگ تحمیلی و همچنین پاسخ سریع به هرگونه پیمان‌شکنی و نقض بند‌های تفاهم‌نامه و عدم مناقشه درباره حقوق هسته‌ای ایران تأکید داشتند.

دولت متنبه می‌شود؟

نگاهی به مجموعه هشدارها و اندازهای این روزهای فقها و اساتید حوزه‌های علمیه نشان می‌دهد سطح دغدغه‌مندی دلسوزان و مطالبه‌آنان از دولت به مرز کم‌سابقه‌ای رسیده است. هرچند با فروپاشی تفاهم‌نامه ۱۴ بندی روسای جمهور ایران و آمریکا طی کمتر از یک‌ماه و تصریح تاریخی رهبر معظم انقلاب برداشتن نظر دیگری در خصوص آتش‌بس و مذاکره، انتظار نیز می‌رفت تا دلسوزان نسبت به اصلاح و تصحیح مسیر پیموده شده و به بن بست رسیده ورود کنند. در این میان نکته قابل تامل، شنیده شدن این نصایح توسط مقامات دولتی و دیپلماسی است. هرچند که مواضع اخیر پزشکیان و عراقچی درباره تفاهم‌نامه نشان داد نگرانی‌های دلسوزان تا چه میزان به حق است.

خبر کوتاه

دیدار اعضای دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید با خانواده شهید سلامی

همزمان با ایام سالگرد شهادت سرلشکر شهید سلامی، غلامعلی حداد عادل همراه با اعضای دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب اسلامی و جمعی از اصحاب و اهالی رسانه، با حضور در منزل سپهبد شهید سلامی، به مقام این شهید و الامقام و خانواده معزز ایشان ادای احترام کردند.

۶ میلیارد دلار آزاد شده چه شد؟!

حجت‌الاسلام حمید رسایی نماینده مردم تهران در مجلس نوشت: حدود ۲۰ روز قبل رسانه‌های حامی دولت چهاردهم همچون اعتماد، شرق، اکوایران، اصلاحات نیوز و بامداد نوبه نقل از پزشکیان اعلام کردند ۶ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه‌شده ایران در نتیجه توافق با آمریکا آزاد شده است. نکته: از آن زمان تاکنون هیچ خبری از آزاد شدن حتی دلار از پول‌های بلوکه‌شده ایران نشده است و آمریکا تمامی بند‌های توافق با پزشکیان و قالیباف را نقض کرد. اکنون مشخص شده که در ۸ تیرماه اصلاح‌طلبان برای بزرگ کردن مذاکرات، بار دیگر دروغ پردازی کردند و وی افزود: این رسانه‌ها که بیشتر به پایگاه‌های دشمن شبیه‌اند، در برجام هم همین نقش را ایفا کردند: بزرگ دروغ‌های دشمن!

توطئه دشمن برای تفکیک جغرافیایی ایران باطل شد

علی خضریان، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ضمن حضور در مناطق مرزی جنوبی گفت: فلسفه این حضور، خداقوت به مردم مقاومتی است که در گرمای شدید، خط مقدم ایستادگی کشور را زنده نگه داشته‌اند. وی افزود: در پاسخ به توطئه دشمنان برای تفکیک قومیتی و جغرافیایی کشور، تأکید می‌شود که ما یک ایران واحد داریم و تمام مرزهای آن مقدس است. به گفته خضریان، خوزستان پاره تن ایران است و تاریخ نشان داده که در مسير دفاع از وطن، تمام ملت ایران یکپارچه در کنار هم می‌ایستند.

دوقطبی «جنگ و صلح» عملیات روانی به نفع دشمن است

علیرضا تسلیمی عضو شورای مرکزی جبهه پایداری با تأکید بر اینکه ملت ایران هرگز طرفدار جنگ نبوده و نیست، گفت: در عالم سیاست و امنیت، مسئله اصلی «جلوگیری از جنگ از طریق بازدارندگی و پیشیمان کردن متجاوز» است، نه ایجاد دوگانه‌های کاذبی مانند «جنگ طلبی و صلح طلبی» که واقعیت تهدیدهای دشمن را پنهان می‌کند. وی اظهار کرد: کشوری که در محیطی پر مخاطره قرار دارد، نمی‌تواند با شعارهای احساسی یا دوقطبی‌سازی‌های سیاسی از امنیت خود صیانت کند. امنیت ملی بر پایه شناخت تهدید، آمادگی دفاعی، انسجام داخلی و محاسبه دقیق دشمن استوار است و این مؤلفه‌ها در نهایت برای جلوگیری از جنگ و حفظ صلح به کار گرفته می‌شوند. عضو شورای مرکزی جبهه پایداری ادامه داد: در این چارچوب، هر جریانی که دفاع مشروع از کیان ملی را با جنگ طلبی یکسان جلوه دهد، عملاً در زمین عملیات روانی دشمن بازی کرده است. ملت ایران خواهان صلح است، اما صلحی که برپایه اقتدار و بازدارندگی شکل بگیرد، نه صلحی که با نادیده گرفتن تجاوز به دست آید. تسلیمی افزود: بنابراین، دوقطبی «جنگ یا صلح» یک دوقطبی جعلی است که کارکردی جز ایجاد شکاف در جامعه و کمک به اهداف روانی دشمن ندارد و متأسفانه هزینه آن را ملت ایران می‌پردازد.

واکنش نگران نفت به بسته شدن باب المندب



قیمت جهانی نفت پس از بسته شدن دوباره تنگه هرمز از هفته گذشته افزایش یافت و به مرز ۹۰ دلار رسیده بود. با این حال، با اقدام یمنی‌ها و پس از بازگردانده شدن دو کشتی پاکستانی حامل نفت عربستان، قیمت نفت برنت به بالای ۹۱ دلار در هر بشکه رسید. دیروز دو کشتی پاکستانی می‌خواستند نفت عربستان را از باب المندب عبور دهند، اما در دریای سرخ تغییر مسیر دادند و به سمت کانال سوئز بازگشتند. تا لحظه تنظیم این گزارش، قیمت هر بشکه نفت خام آمریکا به ۸۴ دلار و ۵۹ سنت رسید. هر بشکه نفت برنت نیز ۹۱ دلار و ۴۵ سنت معامله می‌شود.

نیروهای مسلح یمن اجرای محاصره دریایی علیه عربستان را اعلام کردند. اکنون ۴.۵ میلیون بشکه نفتی که از بندر یمن عربستان در ساحل دریای

سرخ صادر می‌شود، در محاصره قرار گرفته است. خاور بیلاس، تحلیلگر بلمبرگ، با انتشار ایمیلی نوشت: یمنی‌ها به مالکان کشتی‌ها اطلاع داده‌اند که نه تنها کشتی‌های از پرچم عربستان نمی‌توانند از باب المندب عبور کنند، بلکه هر کشتی‌ای که در بنادر عربستان پهلو بگیرد نیز تحریم دریایی می‌شود. در حالی که عربستان سعودی برای فرار از تنگه هرمز، صادرات نفت خود را به دریای سرخ منتقل کرده بود تا امنیت صادراتش را تضمین کند، اکنون محاصره دریایی یمن در باب المندب، همان مسیر جایگزین را به یک تله تمام عیار تبدیل کرده است.

تنگه باب المندب که اکنون در تیررس تهدیدات قرار دارد، تنها یک آبراه ساده نیست؛ روزانه حدود ۴.۸ میلیون بشکه نفت و فراورده‌های نفتی از آن

عبور می‌کند و ارزش سالانه کالاهای عبوری از آن به حدود ۷۰۰ میلیارد دلار می‌رسد. اما نقطه عطف ماجرا جایی است که عربستان در ماه‌های اخیر، با تکیه بر خط لوله شرق-غرب و بندر یمن، بخش اعظم صادرات نفتی خود را دقیقاً به همین مسیر پرخطر منتقل کرده بود تا از پیچیدگی‌های تنگه هرمز فرار کند. در پی ناآرامی‌های اخیر در تنگه هرمز، عربستان برای حفظ صادرات خود، خط لوله حیاتی شرق-غرب را به حداکثر ظرفیت ۷ میلیون بشکه در روز رساند تا نفت خود را از مناطق شرقی به بندر صنعتی ملک فهد در یمن، در کرانه‌های دریای سرخ، منتقل کند. سعودی‌ها باور داشتند که با این کار، گلوگاه هرمز را پشت سر گذاشته‌اند و امنیت صادراتشان را تضمین کرده‌اند.

مرکز پژوهش‌های مجلس گزارش داد؛

صنعت سیمان در قبضه شبه‌دولتی‌ها

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی تازه، تصویری متفاوت از ساختار مالکیت صنعت سیمان ایران ارائه کرده است؛ تصویری که نشان می‌دهد، برخلاف تصور رایج از خصوصی‌سازی، حدود ۷۰ درصد کنترل این صنعت همچنان در اختیار دولت و نهادهای عمومی غیردولتی قرار دارد. چهار مجموعه، شامل سازمان تأمین اجتماعی، بنیاد مستضعفان، بانک ملی و سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح، به تنهایی بیش از ۶۰ درصد حق کنترل بازار سیمان را در اختیار دارند؛ وضعیتی که بار دیگر پرسش‌هایی درباره میزان موفقیت سیاست‌های اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و واقعی بودن خصوصی‌سازی در یکی از مهم‌ترین صنایع کشور مطرح کرده است.

کنترل بالا؛ سود کمتر

یکی از جالب‌ترین یافته‌های این گزارش، تفاوت میان «حق کنترل» و «حق جریان نقدی» است. حق کنترل به معنای توانایی مدیریت و تصمیم‌گیری در شرکت‌هاست، اما حق جریان نقدی، سهم واقعی هر سهامدار از سود اقتصادی شرکت‌ها را نشان می‌دهد. مرکز پژوهش‌های مجلس برآورد کرده است که اگرچه بخش عمومی ۶۹.۵ درصد کنترل صنعت سیمان را در اختیار دارد، اما سهم آن از منافع اقتصادی این صنعت تنها ۳۶.۲ درصد است. دلیل این اختلاف، حضور گسترده شرکت‌های سیمانی در بورس و وجود سهامداران خرد عنوان شده است. نمونه بارز این موضوع، سازمان تأمین اجتماعی است که با وجود کنترل ۳۰.۷ درصد بازار، تنها ۱۰.۸ درصد از جریان نقدی صنعت سیمان را دریافت می‌کند. به بیان دیگر، این سازمان مدیریت شرکت‌ها را در اختیار دارد، اما بخش مهمی از سود اقتصادی میان سایر سهامداران توزیع می‌شود.

گزارش همچنین نشان می‌دهد که برخی نهادها، اگرچه کنترل مدیریتی شرکت‌ها را در اختیار ندارند، اما از طریق سهامداری در تعداد زیادی از شرکت‌های سیمانی، از منافع اقتصادی این صنعت بهره‌مند می‌شوند؛ برای مثال، صندوق بازنشستگی وظیفه و پس‌انداز و ازکارافتادگی بانک‌های ملی و ادغام شده در ۱۹ شرکت سیمانی دارای سهام بالای ۱۳.۳ درصد است، اما در هیچ‌یک از آن‌ها مالکیت کنترلی ندارد. الگوی مشابهی نیز درباره صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت، بیمه مرکزی و برخی بانک‌ها، از جمله ملت، تجارت و مسکن، مشاهده می‌شود.

این موضوع نشان می‌دهد که ساختار مالکیت صنعت سیمان تنها به چند سهامدار عمده محدود نیست، بلکه شبکه‌ای از نهادهای عمومی و مالی در آن حضور دارند که اگرچه مدیریت شرکت‌ها را در دست ندارند، اما از سود این صنعت بهره‌مند می‌شوند. گزارش مجلس تنها گزارشی درباره ساختار سیمان نیست؛ بلکه هشدار می‌دهد که ساختار مالکیت در اقتصاد ایران است؛ ساختاری که هنوز سهم قابل توجهی از آن در اختیار بازیگران شبه‌دولتی قرار دارد و تحقق اهداف خصوصی‌سازی را با تردیدهای جدی مواجه کرده است.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

گزارش جدید مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که صنعت سیمان، یکی از قدیمی‌ترین صنایع خصوصی شده کشور، همچنان زیر سایه نهادهای عمومی اداره می‌شود. براساس این گزارش، نهادهای عمومی غیردولتی و سایر بخش‌های عمومی، در مجموع ۶۹.۵ درصد حق کنترل بازار سیمان را در اختیار دارند، در حالی که سهم بخش خصوصی از کنترل این صنعت تنها ۲۶.۷ درصد برآورد شده است. این گزارش بر پایه بررسی ساختار مالکیت ۷۵ شرکت تولیدکننده سیمان تا پایان اسفند ۱۴۰۲ تهیه شده است؛ شرکت‌هایی که بیش از ۹۶ درصد بازار فروش ریالی سیمان کشور را پوشش می‌دهند. از میان این شرکت‌ها، ۳۵ شرکت در بورس حضور دارند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه در سال‌های گذشته واگذاری‌های گسترده‌ای در صنعت سیمان انجام شده، اما بخش مهمی از سهام این شرکت‌ها نه به بخش خصوصی واقعی، بلکه به نهادهای عمومی و صندوق‌های وابسته منتقل شده است؛ موضوعی که موجب شده ساختار مدیریتی این صنعت همچنان از ویژگی‌های یک اقتصاد شبه‌دولتی برخوردار باشد.

تأمین اجتماعی؛ بازگراول سیمان

در میان همه سهامداران، سازمان تأمین اجتماعی، با فاصله، بزرگ‌ترین بازیگر صنعت سیمان محسوب می‌شود. این سازمان از طریق هلدینگ «سیمان تأمین (سیتا)»، به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر ۱۷ شرکت سیمانی کنترل دارد و به تنهایی ۳۰.۷ درصد حق کنترل کل صنعت سیمان را در اختیار گرفته است. از میان این شرکت‌ها، تنها پنج شرکت بزرگ زیرمجموعه سیتا، حدود ۱۶.۵ درصد تولید کل سیمان کشور را مدیریت می‌کنند؛ رقمی که نشان می‌دهد تصمیمات این مجموعه می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در بازار سیمان داشته باشد.

بنیاد مستضعفان؛ دومین غول صنعت سیمان
پس از تأمین اجتماعی، بنیاد مستضعفان با

زنگ هشدار برای خصوصی‌سازی

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، فراتر از صنعت سیمان، تصویری از یکی از چالش‌های مهم اقتصاد ایران ارائه می‌کند؛ چالشی که در آن واگذاری شرکت‌های دولتی الزاماً به گسترش بخش خصوصی واقعی منجر نشده و در بسیاری از موارد، مالکیت تنها از دولت به نهادهای عمومی غیردولتی منتقل شده است. سلطه نزدیک به ۷۰ درصدی این نهادها بر صنعت سیمان، در کنار فاصله قابل توجه با سقف ۴۰ درصدی تعیین شده در قانون اصل ۴۴، این پرسش را مطرح می‌کند که خصوصی‌سازی در ایران تا چه اندازه توانسته به افزایش رقابت، کاهش تمرکز و تقویت بخش خصوصی واقعی بینجامد.

تالار شیشه‌ای

رشد ۱.۵۴ درصدی شاخص بورس با پیشروی خریداران

معاملات بازار سهام دیروز (سه شنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۵) برای دومین روز متوالی با برتری خریداران آغاز شد و این روند تا پایان معاملات ادامه داشت. در آغاز معاملات، ۹۳ درصد نمادها مثبت بودند که در پایان معاملات، نمادهای سبزرنگ به ۹۴ درصد رسید. با این حال، شاخص کل بورس تهران در پایان معاملات رشد ۱.۵۴ درصدی را ثبت کرد. پس از پایان دادوستدها، ۳۹۶ صف خرید در برابر ۱۱ صف فروش به عنوان سرخطی‌های امروز در ماشین معاملات باقی ماند. دیروز حدود ۲۵ درصد از نمادهای کل بازار برای برگزاری مجمع متوقف بودند.

ارزش معاملات خرد بازار سهام روز گذشته به ۱۱ هزار و ۵۸۸ میلیارد تومان رسید که نسبت به میانگین سه‌ماهه خود (۲۵ هزار و ۳۲۲ میلیارد تومان) کاهش ۵۴ درصدی داشت. حقیقی‌ها در ادامه روز دوشنبه، پول وارد بازار سهام کردند؛ به‌طوری‌که دیروز ۴۵۲۸ میلیارد تومان به چرخه سهام وارد شد. بیشترین جذب پول حقیقی به صنایع فراورده‌های نفتی، سرمایه‌گذاری و تولید فلزات گران‌بهای غیرآهن اختصاص پیدا کرد. مجموع ارزش معاملات بورس و فرابورس به محدوده ۲۸۹ هزار میلیارد تومان رسید. همچنین ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس نیز در محدوده ۱۶ هزار و ۷۹۵ هزار میلیارد تومان قرار گرفت.

در جریان مبادلات روز سه‌شنبه، شاخص صنایع فعال بازار سهام هم‌سو با نماگرهای اصلی بورس با افزایش همراه شد. میانگین بازده ۴۰ صنعت فعال بازار سهام در پایان معاملات به مثبت ۱.۴ درصد رسید. شاخص ۳۹ صنعت با روند مثبت به کار خود پایان داد. در این میان، صنایع خرده‌فروشی، انتشار و چاپ و وسایل ارتباطی بیشترین میزان رشد روزانه شاخص را تجربه کردند. در مقابل، صنعت محصولات چوبی تنها گروهی بود که با کاهش شاخص مواجه شد.

شاخص کل بورس تهران در پایان معاملات دیروز با افزایش ۷۴ هزار و ۴۸ واحد (۱.۵۴ درصد) به ۴ میلیون و ۸۸۷ هزار و ۵۵۱ واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۲ درصدی (۲۶ هزار و ۵۹ واحد) در محدوده یک میلیون و ۳۴۶ هزار و ۷۲۲ واحد قرار گرفت. شاخص کل فرابورس ایران نیز با ۸۰۶ واحد، معادل ۲.۱ درصد، افزایش یافت و در ارتفاع ۳۸ هزار و ۶۷۳ واحد ایستاد.

معاملات صندوق‌های طلا و نقره نیز در چهارمین روز هفته مثبت بود. صندوق‌های طلا حدود یک هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی جذب کردند. صندوق‌های طلا در محدوده ۱ تا ۲ درصد مثبت دادوستد شدند، اما نقره‌ای‌ها مثبت ۶ تا ۸ درصد هم معامله شدند. این صندوق‌ها ۵۰۲ میلیارد تومان جذب کردند.

نوبید از تاخیر دولت در تسویه مطالبات فروشگاه‌ها بابت کالا برگ گزارش می‌دهد؛

کالا برگ در بن بست!

طرح کالا برگ الکترونیکی قرار بود بخشی از فشار معیشتی خانوارها را کاهش دهد؛ اما اکنون خود به منشأ بحران تازه‌ای برای فروشگاه‌های طرف قرارداد تبدیل شده است. در حالی که طبق دستورالعمل دولت، مطالبات فروشندگان باید حداکثر ظرف ۷۲ ساعت پرداخت شود، بسیاری از فروشگاه‌ها می‌گویند



حمید کمار

روزنامه نگار

آن‌ها با شرکت‌های مسئول یا دستگاه‌های اجرایی، نتیجه‌ای جز وعده‌های کلی نداشته است. نتیجه این وضعیت، در برخی مناطق کاملاً مشهود است. تعدادی از فروشگاه‌ها اعلام کرده‌اند دیگر حاضر نیستند کالا برگ را بپذیرند و فروش کالا در قالب این طرح را متوقف کرده‌اند. این تصمیم، اگرچه از منظر اقتصادی برای فروشنده قابل درک است، اما در نهایت خانوارهای مشمول را با مشکل مواجه می‌کند و دسترسی آن‌ها به کالاهای اساسی را محدود می‌سازد.

پاس کاری فروشگاه‌ها میان دو دستگاه

با افزایش اعتراض فروشندگان، پرسش اصلی این است که چرا مطالبات آن‌ها پرداخت نمی‌شود و مسئول این تأخیر کدام دستگاه است؟ پاسخ‌هایی که تاکنون از سوی نهادهای مسئول ارائه شده، بیش از آنکه ابهام‌ها را برطرف کند، از نوعی پاس کاری مسئولیت میان دستگاه‌های اجرایی حکایت دارد. بانک مرکزی می‌گوید تا پایان سال ۱۴۰۴، براساس مصوبات کارگروه ماده ۱۳، بخشی از منابع اجرای طرح کالا برگ از محل منابع این بانک تأمین می‌شود؛ اما با آغاز سال ۱۴۰۵ و اجرای قانون بودجه جدید، مسئولیت تأمین منابع به سازمان برنامه و بودجه منتقل شده است.

این بانک تأکید می‌کند که تنها وظیفه انجام عملیات بانکی و انتقال منابعی را بر عهده دارد که پیش‌تر از سوی دولت و خزانه تأمین شده باشد و در تأمین بودجه این طرح نقشی ندارد. در مقابل، سازمان برنامه و بودجه نیز مسئولیت را متوجه خود نمی‌داند. این سازمان اعلام کرده است که منابع کالا برگ از محل درآمد‌های عمومی دولت تأمین می‌شود و هر زمان این درآمدها وصول شود، حساب مربوط شارژ شده و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مطالبات فروشگاه‌ها را پرداخت خواهد کرد. به بیان دیگر، هیچ یک از دو دستگاه مسئولیت مستقیم تأخیر را بر عهده نمی‌گیرد؛ در حالی که فروشندگان همچنان در انتظار وصول مطالبات خود هستند.

کمبود منابع یا ضعف برنامه ریزی؟

یکی از مسئولان بانک مرکزی توضیح داده است که بخشی از منابع ریالی کالا برگ از محل درآمد‌های نفتی و مابه‌التفاوت نرخ ارز ترجیحی دارو با نرخ حواله تأمین می‌شود، اما کاهش درآمد‌های نفتی باعث شده این منابع در برخی مقاطع پاسخ‌گوی تعهدات دولت نباشد. به گفته این مقام، در چهار ماه نخست اجرای طرح نیز منابع کالا برگ از محل مجوز برداشت ۲۰۵ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی تأمین شده بود؛ اقدامی که بر پایه یک مجوز ویژه انجام شد و به معنای تعهد دائمی بانک مرکزی برای تأمین مالی این طرح نبود. با این حال،

نزدیک به یک ماه است که پول کالاهای فروخته‌شده در دریافت نکرده‌اند. تأخیر در پرداخت، برگشت خوردن چک‌ها، مسدود شدن حساب‌های بانکی و توقف همکاری برخی فروشگاه‌ها با این طرح، اکنون اجرای یکی از مهم‌ترین برنامه‌های حمایتی دولت را با چالشی جدی روبه‌رو کرده است.



این توضیحات پرسش مهم‌تری را مطرح می‌کند: آیا دولت پیش از آغاز مرحله جدید اجرای کالا برگ، منابع مالی لازم را به طور کامل پیش‌بینی کرده بود؟ اگر پاسخ مثبت است، چرا پرداخت‌ها با تأخیر چند هفته‌ای انجام می‌شود و اگر منابع از ابتدا پیش‌بینی نشده بود، چگونه اجرای یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های حمایتی کشور بدون پشتوانه مالی کافی آغاز شد؟ کارشناسان معتقدند اجرای طرح‌های گسترده رفاهی بدون تأمین پایدار منابع، علاوه بر ایجاد بدهی برای دولت، اعتماد بخش خصوصی به همکاری با چنین طرح‌هایی را نیز کاهش می‌دهد.

هشدار مجلس؛ کاهش همکاری فروشگاه‌ها

دامنه اعتراض‌ها اکنون به مجلس نیز کشیده شده است. عباس مقتدایی، نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، در نامه‌ای به معاون اول رئیس‌جمهور نسبت به روند اجرای کالا برگ الکترونیکی هشدار داده و تأخیر در تسویه حساب فروشگاه‌ها را یکی از عوامل اصلی کاهش همکاری آن‌ها با این طرح دانسته است. او با اشاره به مراجعات مردمی اعلام کرده که اختلال در سامانه کالا برگ و تأخیر در پرداخت مطالبات فروشگاه‌ها، موجب سرگردانی خانوارهای مشمول و نارضایتی اقشار هدف، از جمله کارگران، بازنشستگان و معلولان، شده است. مقتدایی در بخشی از نامه خود، از عملکرد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز انتقاد کرده و هشدار داده است که تمرکز بخشی از ظرفیت مدیریتی این وزارتخانه بر حاشیه‌ها، تغییرات مدیریتی و انتصابات، باعث شده رسیدگی به مسائل اصلی مردم در اولویت قرار نگیرد. او از معاون اول رئیس‌جمهور خواسته است با ورود فوری به این موضوع، دستور رفع اختلال‌ها، تسریع در پرداخت مطالبات فروشگاه‌ها و افزایش پاسخ‌گویی دستگاه‌های مسئول را صادر کند.

هزینه تأخیر از مردم می‌پردازند

ادامه این وضعیت تنها به زیان فروشندگان نیست. اگر شمار بیشتری از فروشگاه‌ها همکاری خود را با طرح کالا برگ متوقف کنند، نخستین گروهی که آسیب می‌بیند، خانوارهای مشمول این طرح هستند. کاهش تعداد مراکز عرضه‌کننده، دسترسی مردم به کالاهای اساسی را دشوارتر می‌کند و ممکن است اثربخشی یکی از مهم‌ترین برنامه‌های حمایتی دولت را کاهش دهد. از سوی دیگر، این تأخیرها اعتماد بخش خصوصی به همکاری با دولت را نیز تضعیف می‌کند. فروشگاه‌هایی که تجربه چند هفته انتظار برای دریافت مطالبات، برگشت خوردن چک‌ها و افزایش هزینه‌های مالی را پشت سر گذاشته، در اجرای طرح‌های مشابه آینده با احتیاط بیشتری عمل خواهد کرد.

نبض بازار

پرونده واگذاری ایران خودرو در انتظار رأی قوه قضائیه

واگذاری مدیریت ایران خودرو به بخش خصوصی (شرکت قطعه‌سازی کروزر) رامی‌توان یکی از مهم‌ترین و در عین حال پرچالش‌ترین رخدادهای اقتصادی سال ۱۴۰۳ دانست؛ واگذاری‌ای که قرار بود افزایش بهره‌وری و کیفیت و ارتقای رقابت در صنعت خودروسازی ایجاد کند اما هیچ یک محقق نشد و فقط مدیریت بخش خصوصی در ایران خودرو به دنبال افزایش قیمت بود؛ به طوری که قیمت کارخانه‌ای ایران خودرو از ابتدای سال گذشته تاکنون به طور میانگین ۱۷۰ درصد افزایش داشته است.

اکنون نیز با گذشت پنج ماه از ارجاع گزارش کمیسیون صنایع و معادن مجلس به قوه قضائیه، همچنان خبری از نتیجه رسیدگی به این پرونده منتشر نشده و ابهام‌ها درباره سرنوشت آن ادامه دارد.

بهمین سال گذشته، مجلس شورای اسلامی گزارش کمیسیون صنایع و معادن درباره نحوه واگذاری مدیریت ایران خودرو را براساس ماده ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس برای رسیدگی به قوه قضائیه ارسال کرد. این گزارش تنها به طرح چند پرسش یا ابهام محدود نبود، بلکه مجموعه‌ای از ایرادات حقوقی، اجرایی و نظارتی را مستند کرده و خواستار بررسی قضایی عملکرد دستگاه‌های مسئول شده بود. با وجود اهمیت این پرونده، هنوز اطلاع‌رسانی شفافی درباره روند رسیدگی یا نتیجه بررسی‌های قضایی صورت نگرفته است.

براساس گزارش کمیسیون صنایع و معادن، پس از برگزاری مجمع عمومی ۱۷ بهمن ۱۴۰۳ و انتخاب هیئت مدیره جدید ایران خودرو، عملکرد دستگاه‌های مختلف از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان بورس و اوراق بهادار، شورای رقابت و دیوان عدالت اداری در دستور بررسی قرار گرفت. علاوه بر مسئولان اجرایی، نمایندگان دستگاه‌های نظارتی و امنیتی نیز در جلسات کمیسیون حضور یافتند و در نهایت کارگروه ویژه‌ای برای بررسی ابعاد مختلف پرونده تشکیل شد. بررسی‌ها موجب شد کمیسیون صنایع و معادن مجلس، خواستار ورود دستگاه قضایی شود. از نگاه کمیسیون، برخی اقدامات و تصمیمات اتخاذ شده در فرایند واگذاری و تشکیل هیئت مدیره، نیازمند رسیدگی دقیق قضایی است. یکی از مهم‌ترین محورهای گزارش، موضوع تعارض منافع است. کمیسیون صنایع و معادن اعلام کرده حضور شرکت‌های وابسته به یکی از بزرگ‌ترین قطعه‌سازان کشور در ترکیب هیئت مدیره ایران خودرو، این نگرانی را ایجاد می‌کند که تصمیمات مدیریتی به جای تأمین منافع همه سهامداران، در راستای منافع یک بازیگر فعال در زنجیره تأمین اتخاذ شود. به اعتقاد کمیسیون، چنین وضعیتی می‌تواند رقابت در بازار قطعات را تحت تأثیر قرار داده و زمینه ایجاد انحصار را فراهم کند.

گزارش مجلس همچنین هشدار داده که استمرار چنین شرایطی ممکن است به حذف بخشی از قطعه‌سازان خصوصی، افزایش تمرکز در بازار تأمین قطعات، رشد هزینه‌های تولید و در نهایت افزایش قیمت تمام‌شده خودرو منجر شود؛ موضوعی که آثار آن فراتر از ساختار مدیریتی ایران خودرو، بر کل صنعت خودرو و مصرف‌کنندگان نیز تأثیرگذار خواهد بود. کمیسیون یادآور شده که شورای رقابت پیش از برگزاری مجمع عمومی، تملک سهام توسط قطعه‌سازانی را که به حضور در هیئت مدیره منجر شود، مصداق رویه ضد رقابتی دانسته و براگذاری سهام یا سلب حق رأی این سهامداران تأکید کرده بود. بخش دیگری از گزارش به موضوع «اهلیت» اختصاص دارد.

کمیسیون صنایع با استناد به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و قوانین مرتبط تأکید کرده که در واگذاری بنگاه‌های بزرگ اقتصادی، صرف در اختیار داشتن سهام کافی نیست و صلاحیت مدیریتی، اقتصادی و حرفه‌ای متقاضیان نیز باید احراز شود. اکنون با گذشت پنج ماه از ارجاع رسمی این پرونده به قوه قضائیه، همچنان نتیجه‌روشنی از روند رسیدگی منتشر نشده است. صرف‌نظر از اینکه در نهایت استدلال‌های مجلس تأیید یا رد شود، اعلام نتیجه این پرونده می‌تواند به بخش مهمی از ابهام‌های موجود درباره یکی از مهم‌ترین واگذاری‌های سال‌های اخیر پایان دهد؛ پرونده‌ای که پیامدهای آن تنها به مدیریت ایران خودرو محدود نیست و به نحوه اجرای قوانین رقابت، خصوصی‌سازی، شفافیت و حکمرانی اقتصادی در کشور نیز گره خورده است.

چالش هماهنگی در کالا برگ

تجربه هفته‌های اخیر نشان می‌دهد چالش اصلی طرح کالا برگ، بیش از آنکه فنی یا بانکی باشد، به نحوه تأمین منابع و هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی بازمی‌گردد.

پاس کاری مسئولیت میان بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و وزارت تعاون، شاید برای هریک از این نهادها توجیه حقوقی داشته باشد، اما برای فروشندگانی که سرمایه در گردش خود را از دست داده یا برای خانواده‌ای که با در بسته برخی فروشگاه‌ها مواجه شده است، تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

دولت اگر می‌خواهد کالا برگ الکترونیکی همچنان به عنوان یکی از ابزارهای حمایت از معیشت خانوارها باقی بماند، ناگزیر است سه اقدام را هم‌زمان انجام دهد: تسویه فوری مطالبات معوق فروشگاه‌ها، شفاف‌سازی درباره منشأ تأخیرها و ایجاد یک منبع مالی پایدار و قابل اتکا برای اجرای طرح. در غیر این صورت، تأخیرهای مکرر نه تنها همکاری فروشگاه‌ها را کاهش خواهد داد، بلکه اعتبار یکی از مهم‌ترین برنامه‌های حمایتی دولت را نیز با چالش جدی روبه‌رو خواهد کرد.

بین الملل

پیام تبریک شیخ نعیم قاسم به خلیل الحیه



فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران و دبیرکل حزب الله لبنان انتاب دکتر خلیل الحیه را به عنوان رئیس دفتر سیاسی حماس تبریک گفتند... سردار قاآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پیام خود این انتخاب را به شخصیت‌های بزرگ حاضر در حماس و نیز همه رزمندگان این جریان عظیم مقاومت اسلامی تبریک گفت. وی افزود: آنان با انتخاب شخصیتی که نماد مقاومت و شهادت است، بار دیگر اثبات کردند که همچنان بر استمرار مسیر مقاومت اسلامی تأکید دارند.

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادامه داد: رژیم صهیونیستی ناگزیر است بپذیرد که با وجود همه جنایت‌هایی که مرتکب شده، نه تنها نتوانسته است مقاومت را متوقف کند، بلکه مقاومت اسلامی امروز قوی‌تر از همیشه، مسیر عزت‌مندانه خود را ادامه خواهد داد. همچنین شیخ «نعیم قاسم» دبیرکل حزب الله لبنان در پیامی خطاب به خلیل الحیه، با اشاره به سابقه مبارزاتی رئیس جدید دفتر سیاسی حماس، وی را ادامه‌دهنده راه فرماندهان شهید این جنبش، از جمله شیخ احمد یاسین، اسماعیل هنیه، یحیی السنوار و دیگر شهدای مقاومت دانست و تأکید کرد که حماس با همکاری دیگر گروه‌های فلسطینی و تکیه بر ایستادگی ملت فلسطین، مسیر مقاومت را ادامه خواهد داد. وی در بخش دیگری از پیام خود، با اشاره به اندیشه‌های امام خمینی (ره) و آیت الله شهید سید علی خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب اسلامی، فلسطین و قدس را محور اصلی جبهه مقاومت دانست و تأکید کرد که این رویکرد همچنان مبنای حرکت نیروهای مقاومت در منطقه است.

رسانه‌های آمریکایی از ترامپ بابت کشته‌ها توضیح می‌خواهند

قمار با جان آمریکایی‌ها

برای هرتحلیل‌گری که بهره‌اندکی از هوش و سواد منطقه‌ای برده باشد، بسیار آشکار بود که قمار ترامپ در آغاز جنگ علیه ایران، ممکن است به فاجعه‌ای ختم شود که حیات سیاسی او را به مخاطره بیندازد. حالا و پس از کشته‌شدن تعدادی آمریکایی دیگر، رسانه‌های آمریکایی ترامپ را مسئول کشته‌شدن آنان می‌دانند و او را به قماربازی با جان آمریکایی‌ها متهم می‌کنند. گزارش آتلانتیک از این وضعیت خواندنی است.



احسان میرباقری

روزنامه نگار

توانایی‌های نظامی‌اش و باز کردن تگه متمرکز شد. این تلاش‌ها نیز شکست خورده‌اند.

به باور نویسندگان، اکنون که دو آمریکایی دیگر به هلاکت رسیده‌اند، زمزمه‌هایی از عملیات زمینی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌شود ولی این طرح هم احتمالاً شکست فاجعه‌باری برای آمریکا خواهد شد «اکنون دو آمریکایی دیگر کشته شده‌اند و یک نفر نیز مفقود است. اما به نظر می‌رسد ترامپ مصمم است جان افراد بیشتری را به خطر بیندازد. بنا بر برخی گزارش‌ها، او بار دیگر از مشاورانش درباره تصرف خاک ایران پرسیده است؛ اگر ترامپ چنین دستورهایی صادر کند، آمریکایی‌های بیشتری کشته خواهند شد. اگر به نیروهای نظامی آمریکا دستور داده شود که خاک ایران را تصرف کنند، چنین عملیاتی ممکن است به تلفات قابل توجهی منجر شود؛ با این حال، آمریکایی‌ها، اگر به اندازه کافی نیرو اختصاص دهند، می‌توانند جزیره خارک را اشغال کنند و در امتداد ساحل ایران پیاده شوند. اما بار دیگر پرسش این است: با چه هدفی؟ در این مرحله «پیروزی» چه شکلی دارد؟»

در نهایت، به نوشته آتلانتیک «او بار دیگر با جان آمریکایی‌ها قمار می‌کند و امیدوار است که کوبیدن ایران و به هم ریختن کامل اوضاع، آنچه را می‌خواهد برایش به ارمغان بیاورد. ترامپ ظاهراً درک نمی‌کند که ایران آستانه تحمل درد بالاتری نسبت به آمریکا دارد. کشته شدن دو آمریکایی دیگر، آن گونه که ترامپ می‌گوید، صرفاً «یک اتفاق بسیار غم‌انگیز» نیست. رئیس جمهور آمریکا را وارد یک جنگ بزرگ و مسلحانه کرده است. نیروهای آمریکایی کشته و زخمی می‌شوند.»

چندین توجیه متفاوت ارائه کرده است.

آتلانتیک می‌نویسد که ترامپ به آسانی فریب طرح ساده لوحانه نانیاهو را خورده و تا الان هم مشغول هزینه دادن بابت این طرح است «ترامپ نسبت به پایان دادن به حکومت ایران خوش بین بود. او با تشویق بنیامین نئانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، که مدعی بود حکومت با حمله آمریکا فرو خواهد پاشید، (ادعاهایی که به گفته نیویورک تایمز، جان رنکلیف، رئیس سازمان سیا، آنها را «مضحک» خواند و مارکو روبیو، وزیر امور خارجه، آنها را «مزخرف» توصیف کرد) نیروهای آمریکایی را بر اساس چیزی که بعد از آن را «گریزه درونی» خود نامید، به خطر فرستاد.

به باور آتلانتیک، ترامپ در شرایطی آمریکا را در تلاطم قرار داده است که مردم آمریکا را حتی لایق توضیح هم نمی‌داند «در تمام این مدت حاضر نشده است حتی یک سخنرانی برای مردم آمریکا یا کنگره انجام دهد و توضیح دهد چرا ایالات متحده را وارد جنگ، اقتصاد جهانی را گرفتار آشوب و جوانان آمریکایی را در معرض خطر کرده است. در همین حال، اهداف جنگ پراکنده تر و تعدد تر شده‌اند و آمریکا اکنون در حال خاموش کردن آتش‌هایی است که خودش برافروخته است. تغییر رژیم شکست خورد و ایران خیلی زود همان کاری را انجام داد که تقریباً همه به جز ترامپ و هگست، می‌دانستند انجام خواهد داد: تنگه هرمز را بست و به دوستان آمریکا در خلیج فارس حمله کرد. اهداف آمریکا به سرعت بر خلع ایران از

آتلانتیک می‌نویسد که «دو آمریکایی دیگر جان خود را از دست داده‌اند. آنها در حمله ایران به یک پایگاه هوایی اردن کشته شدند؛ چند نیروی نظامی آمریکایی دیگر نیز زخمی شده‌اند و یک نفر همچنان مفقود است. مردم آمریکا حق دارند بدانند چرا آنها جان باختند و رئیس جمهور ترامپ حاضر است جان چند نفر دیگر از پسران و دختران این کشور را در این جنگ انتخابی به خطر بیندازد». آتلانتیک می‌پرسد که چرا نظامیان آمریکایی باید در جنگی کشته شوند که ترامپ حتی مردم آمریکا را برای آن لایق یک توضیح هم نمی‌داند «اما این آمریکایی‌ها جان باختند زیرا به جنگ فرستاده شدند؛ و ترامپ طی ماه‌ها هیچ توضیح جامعی ارائه نکرده است که چرا دولت او به نیروهای نظامی آمریکا دستور داده جان خود را به خطر بیندازد. یا دقیق تر بگوییم، او در طول ۲۰ هفته گذشته از آغاز جنگ، در مقاطع مختلف

جنایت و مکافات

جنایت و مکافات کشته شدن دو آمریکایی دیگر، آن گونه که ترامپ می‌گوید، صرفاً «یک اتفاق بسیار غم‌انگیز» نیست. رئیس جمهور آمریکا را وارد یک جنگ بزرگ و مسلحانه کرده است. نیروهای آمریکایی کشته و زخمی می‌شوند و این نتیجه طبیعی سیاست جنگ طلبانه کاخ سفید است.

یادداشت

جنگ، انرژی آمریکا را گروگان گرفت

محسن پوردادفر
روزنامه نگار

همزمان با تجاوز و جنگ آمریکا با ایران که بازارهای انرژی را ملتهب کرده و قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی را بالا برده، به گزارش نیویورک تایمز، دولت ترامپ در اقدامی متناقض، یکی از مهم‌ترین ابزارهای مهار هزینه‌های انرژی یعنی سیاست‌های افزایش بهره‌وری را کنار می‌گذارد. نتیجه این دو روند، فشار مضاعفی است که مستقیماً بر اقتصاد آمریکا و مصرف‌کنندگان آمریکایی وارد می‌شود.

گزارش نیویورک تایمز نشان می‌دهد دولت ترامپ در حال لغو یا تضعیف بخش مهمی از استانداردهای بهره‌وری انرژی برای خودروها، لوازم خانگی و ساختمان‌هاست. استانداردهایی که طی چند دهه گذشته، با حمایت دولت‌های جمهوری خواه و دموکرات، میلیاردها دلار از هزینه سوخت و برق خانوارهای آمریکایی کاسته بود. اما اکنون، درست در شرایطی که جنگ با ایران قیمت جهانی نفت را افزایش داده، موج گرمای بی‌سابقه مصرف برق را بالا برده و توسعه مراکز داده هوش مصنوعی شبکه برق آمریکا را تحت فشار قرار داده است، واشنگتن مسیر معکوس را انتخاب کرده است.

این تناقض، بیش از هر چیز، نشان‌دهنده فشار جنگ بر ساختار اقتصادی آمریکاست. آمریکا که همواره تلاش می‌کرد با اتکا به تولید داخلی نفت، خود را از شوک‌های انرژی مصون نشان دهد، اکنون بار دیگر دریافته است که بازار جهانی نفت همچنان به تحولات ژئوپلیتیکی، به ویژه در غرب آسیا، وابسته است. هرگونه افزایش تنش با ایران، بلافاصله در قیمت بنزین، هزینه حمل و نقل و نرخ برق در داخل آمریکا بازتاب پیدا می‌کند.

نیویورک تایمز به نقل از مطالعات رسمی یادآوری می‌کند که استانداردهای بهره‌وری انرژی تاکنون به طور متوسط سالانه صدها دلار از هزینه هر خانوار آمریکایی کاسته و مصرف انرژی کشور را به میزان قابل توجهی کاهش داده است. با این حال، دولت ترامپ با شعار افزایش آزادی انتخاب مصرف‌کننده، در حال حذف همین مقررات است؛ تصمیمی که به معنای مصرف بیشتر سوخت، افزایش تقاضای برق و در نهایت رشد بیشتر قیمت‌ها خواهد بود.

واقعیت آن است که جنگ با ایران تنها هزینه نظامی برای آمریکا ایجاد نکرده است. این جنگ، آسیب‌پذیری اقتصاد آمریکا را نیز آشکار کرده است. افزایش قیمت نفت، فشار بر شبکه برق، نگرانی از کمبود ظرفیت تولید انرژی و همزمان عقب‌نشینی از سیاست‌های صرفه جویی، مجموعه‌ای از بحران‌های درهم‌تنیده را پدید آورده که مدیریت آن برای واشنگتن روز به روز دشوارتر می‌شود.

آنچه امروز در آمریکا مشاهده می‌شود، تصویری روشن از هزینه‌های پنهان ماجراجویی‌های خارجی است. هنگامی که یک قدرت جهانی ناچار می‌شود میان ادامه فشارهای خارجی و مهار بحران داخلی یکی را انتخاب کند، نشانه آن است که هزینه‌های جنگ دیگر تنها در بودجه نظامی خلاصه نمی‌شود بلکه به درون اقتصاد، زندگی روزمره شهروندان و حتی امنیت انرژی آن کشور سرایت کرده است. گزارش نیویورک تایمز نیز ناخواسته همین واقعیت را تأیید می‌کند.

اینکه جنگ با ایران نه تنها معادلات امنیتی، بلکه بنیان‌های اقتصادی آمریکا را نیز زیر فشار قرار داده است.

شواهد نشان دهنده بازگشت دوباره نسخه مذاکره همزمان با افزایش فشار نظامی و تلفات سنگین ایران بر آمریکا است

باز هم نسخه نجات واشنگتن؟

همزمان با افزایش قیمت نفت در پی تشدید ناامنی در منطقه و انتشار گزارش‌هایی درباره تلفات سنگین آمریکا در دور جدید جنگی که از ۱۷ تیر آغاز شده، تلاش‌ها برای متوقف کردن پاسخ‌های کوبنده ایران، این بار با واسطه‌گری قطر و پاکستان

از سوی آمریکا، شتاب گرفته است. در داخل نیز همان جریانی که طی یک سال و سه ماه گذشته سه بار طعم تلخ فریب مذاکره را چشیده، بار دیگر با در حال ارسال پالس و ترویج نسخه مذاکره هستند.



محسن فرمند
روزنامه نگار

هماهنگی کامل با تهران عمل کرده است. در این زمینه برخی از کارشناسان مدعی شده‌اند که عراقچی در زمینه مذاکره «خودسری» کرده و بدون هماهنگی با تهران به آمریکایی‌ها وعده ایجاد دالان جدید کشتیرانی در تنگه هرمز را داده بود؛ ادعایی که اگر صحت داشته باشد، نه یک اختلاف نظر معمول، بلکه مسئله‌ای جدی درباره صلاحیت وی برای جایگاه ریاست دستگاه دیپلماسی ایران، حدود اختیارات و هماهنگی در حساس‌ترین پرونده امنیت ملی کشور است. در همین حال، کانال ۱۳ اسرائیل گزارش داده قطر پیشنهاد تازه‌ای برای کاهش تنش ارائه کرده است: آمریکا حملات خود را متوقف کند و ایران نیز به مدت ۱۰ روز دو مسیر کشتیرانی در تنگه هرمز را بازگشایی کند. این گزارش، در کنار سفر عراقچی به عمان در روزهای ابتدایی دور جدید جنگ و رایزنی درباره سازوکار عبور کشتی‌ها، نشان می‌دهد فشار برای توقف و نابودسازی دستاوردهای میدانی ایران در یک «توافق توقف درگیری» از

همین حالا آغاز شده است. از سوی دیگر، سفرا سکندر مومنی، وزیر کشور، به پاکستان نیز از سوی برخی گمانه‌زنی‌ها در چارچوب تلاش‌های میانجی‌گرانه و مذاکرات احتمالی ارزیابی شده است. اکنون این سوال مطرح است که چرا هر بار که دشمن در میدان تحت فشار قرار می‌گیرد، همان جریان داخلی که سه بار در یک سال و سه ماه اخیر در دوران پیش از جنگ ۱۲ روزه، پیش از جنگ ۴۰ روزه و تفاهم خسارت بار اسلام‌آباد، فریب وعده‌های مذاکره را خورده، دوباره به استقبال همان نسخه می‌رود؟ آیا قرار است باز هم نیروهای مسلح ایران جانفشانی کرده و در نبردی نابرابر امتیازات بزرگ به ارمغان بیاورند و دیپلمات‌ها امتیاز بدهند؟ تجربه نشان داده است مذاکره برای آمریکا، اغلب نه پایان جنگ، بلکه فرصتی برای متوقف کردن پاسخ ایران و بازسازی توان فرسوده خود است. اکنون نیز آزمون اصلی، تشخیص همین ترفند تکراری است: آیا این بار هم قرار است فشار میدان، به امتیاز پشت میز تبدیل شود؟

آیا هرمز درازای
هیچ معامله
می‌شود؟

گزارش‌ها درباره پیشنهاد قطر برای توقف حملات آمریکا در برابر بازگشایی دو مسیر کشتیرانی در تنگه هرمز، در کنار گمانه‌زنی‌ها درباره نقش پاکستان و سفر وزیر کشور به اسلام‌آباد، بار دیگر سایه مذاکره را بر فضای سیاسی کشور سنگین کرده است؛ آن هم در شرایطی که هنوز فراموش نشده چگونه در یک سال و سه ماه گذشته، سه بار وعده‌های مذاکره به جای کاهش تهدید، به فرصت بازسازی و تجدید قوای دشمن تبدیل شد.

یادداشت

سکوت، سکوت و باز هم سکوت؛ واکنش آژانس به موشک‌های آمریکا

امیرشهرشهرانی
روزنامه نگار

حمله آمریکا به محل ساخت نیروگاه هسته‌ای کارون (دارخوین)، آن هم در حالی که این تأسیسات ماهیتی کاملاً صلح‌آمیز دارد و حتی واجد کاربردی دوگانه هسته‌ای هم نیست بار دیگر یک واقعیت تلخ را آشکار کرد: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نهادی که قرار بود حافظ توسعه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای و ضامن امنیت تأسیسات تحت پادمان باشد، در برابر حملات نظامی به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران عملاً به تماشاگر خاموش تبدیل شده است. پرسش امروز دیگر این نیست که چرا آژانس اقدام نمی‌کند؛ مسئله این است که ایران تا چه زمانی باید هزینه عضویت در سازوکاری را بپردازد که در بزنگاه‌های حساس، نه تنها از حقوق اعضا دفاع نمی‌کند، بلکه گاه خود به بخشی از فشارها علیه آنان تبدیل می‌شود.

نماینده‌ی دائم ایران نزد سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی در وین اعلام کرده است که حمله ۲۸ تیر ۱۴۰۵ به دارخوین، هجدهمین موج حمله به اماکن و تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز و تحت پادمان ایران از آغاز تجاوزات آمریکا و رژیم صهیونیستی است. این عدد، اگر برای آژانس و مدیرکل آن معنایی نداشته باشد، برای ایران باید یک پیام روشن داشته باشد: ساختار موجود، نه تنها از تأسیسات صلح‌آمیز کشورها حفاظت نمی‌کند، بلکه در برابر تبدیل حمله به تأسیسات هسته‌ای به یک رویه عادی نیز اقدام مؤثری انجام نمی‌دهد.

آژانس البته به صدور بیانیه‌های محتاطانه و ابراز نگرانی علاقه‌مند است؛ اما «نگرانی» در برابر موشک، تجاوز و تخریب، هیچ تأسیسات هسته‌ای را حفاظت نمی‌کند. آنچه ایران نیاز دارد، محکومیت‌های تشریفاتی نیست؛ بلکه اقدام عملی، حقوقی و سیاسی علیه متجاوزان است. اگر آژانس واقعاً نهادی فنی و مستقل است، باید حمله به تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان را به عنوان تهدیدی علیه کل نظام عدم اشاعه پیگیری کند. در غیر این صورت، این پرسش کاملاً مشروع است که چرا ایران باید همچنان تمام تعهدات و هزینه‌های همکاری با نهادی را بپذیرد که در برابر نقض آشکار امنیت تأسیساتش، عملاً دست روی دست گذاشته است؟

ایران باید همکاری با آژانس را از حالت یک طرفه خارج کند و هرگونه تعهد، دسترسی یا همکاری را در برابر رفتار متقابل و تضمین شده این نهاد قرار دهد. نمی‌توان از ایران انتظار داشت اطلاعات، دسترسی و همکاری ارائه کند، اما در برابر حمله به همان تأسیسات، آژانس حتی حاضر به اتخاذ یک موضع مؤثر نباشد. آژانس اگر نمی‌تواند از تأسیسات صلح‌آمیز اعضا دفاع کند، دست کم نباید به ابزار فشار علیه آنها تبدیل شود. تهران باید با صراحت اعلام کند که دوره همکاری بلاشرط پایان یافته است. از این پس، میزان همکاری ایران با آژانس باید تابعی از میزان مسئولیت‌پذیری آژانس باشد؛ نه اینکه ایران همچنان به تعهدات خود وفادار بماند و طرف مقابل، همزمان سکوت کند و در زمین دشمن بازی کند.

سیاست خارجی

معاربو: ایرانی‌ها با کارت تنگه هرمز نشان دادند که از ترامپ و نتانیاهو باهوش‌ترند

روزنامه اسرائیلی معاریو در گزارشی اذعان کرده است: تنگه هرمز شکست دریایی آمریکاست که دولت دونالد ترامپ سعی در پنهان کردن آن دارد. ایران باهوش‌تر از حد تصور ما و باهوش‌تر از بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا است. روزنامه عبری زبان معاریو افزود آمریکا و رژیم صهیونیستی جنگی علیه ایران به راه انداختند. اهداف این جنگ شامل تغییر نظام، از بین بردن تهدید هسته‌ای، برچیدن برنامه موشک‌های بالستیک و قطع ارتباط ایران با گروه‌های مورد حمایت آن درست بود. با این حال مشکل در اقدامات برنامه‌ریزی‌شده توسط آمریکا و اسرائیل نهفته بود؛ اقداماتی که عملاً به یک عملیات آرام با ناکارآمدی و ناشی‌گری بدل شد. ایرانی‌ها از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، باهوش‌ترند؛ چرا که هر دوی آن‌ها مرتکب تمام اشتباهات ممکن شدند. معاریو همچنین به اشتباه و شکست ایالات متحده و رژیم صهیونیستی درباره طرح ایران برای تنگه هرمز اشاره کرد و نوشت: این امر نشان‌دهنده شکستی تاکتیکی از سوی فرماندهان میدانی آمریکا بود چرا که آنان در مرحله نخست درگیری، بلافاصله یک نیروی عملیاتی را برای به دست گرفتن کنترل منطقه اعزام نکردند. اولویت باید تعطیل کردن بندرعباس می‌بود؛ اقدامی که می‌شد تنها ظرف چند دقیقه و با مین‌گذاری در مسیرهای ورودی و خروجی دریایی این بندر به انجام رساند.

معاربو

اشک تمساح

علی نقدی
 روزنامه‌نگار

ماجرای توقف پخش برنامه عادل فردوسی‌پور، بیش از آن که به یک اختلاف فوتبالی یا نقد فنی بر سر عملکرد امیر قلعه‌نویی مربوط باشد، به یک نزاع جدی‌تر درباره مرزهای هویتی و سیاسی در فضای رسانه‌ای ایران گره خورده است. تقلیل این ماجرا به یک دوقطبی ساده میان فردوسی‌پور و قلعه‌نویی، صورت مسئله را پاک می‌کند و اصل ماجرا را به حاشیه می‌راند.

آنچه در این میان اهمیت دارد، استفاده از تریبون رسانه‌ای برای مشروعیت‌بخشی به چهره‌هایی است که در افکار عمومی ایران به عنوان وطن‌فروش شناخته می‌شوند. دعوت از علیرضا فغانی به یک برنامه ورزشی، در چنین فضایی، فقط یک انتخاب حرفه‌ای یا رسانه‌ای تلقی نمی‌شود. از نگاه منتقدان، این اقدام معنایی فراتر از فوتبال پیدا می‌کند و به نشانه‌ای از هم‌سویی با جریان‌هایی تعبیر می‌شود که در تعارض با احساسات ملی‌بخش مهمی از جامعه قرار دارند.

از همین زاویه است که توقف این برنامه، بخشی از یک برخورد حقوقی و رسانه‌ای با کنشی تلقی می‌شود که منتقدان آن را ضدایرانی می‌دانند. در این روایت، مسئله اصلی نه قلعه‌نویی است و نه کیفیت فنی تیم ملی؛ بلکه نوعی جابه‌جایی آگاهانه در میدان نبرد رسانه‌ای است که در آن، چهره‌های پرمخاطب می‌توانند به‌احتی افکار عمومی را از اصل موضوع دور کنند.

فردوسی‌پور اگرچه می‌کوشد ماجرا را به نقدهایش بر سرمربی تیم ملی پیوند بزند، اما منتقدانش معتقدند این پیوندسازی، نوعی فرار از مسئولیت و وارونه‌نمایی واقعیت است. در نگاه آنان، دوقطبی واقعی میان ایران‌دوستی و جریان‌هایی است که به زعم آنان، در بزنگاه‌های حساس در سمت نادرست تاریخ ایستاده‌اند.

در نهایت، این پرونده یک بار دیگر نشان می‌دهد که در رسانه، هیچ انتخابی صرفاً فنی نیست و گاهی یک برنامه ورزشی به میدان جدال بر سر هویت، وفاداری و مرزهای ملی تبدیل می‌کند.

فردوسی‌پور نمی‌تواند با اشک تمساح دعوت شخصیتی را به برنامه‌اش شست‌وشو کند که پس از شهادت رهبر شهید و جنایت‌های دیگر رژیم‌های آمریکا و اسرائیل، با ترامپ قاتل عکس یادگاری گرفته و در فضای مجازی به شهدا هتاکی کرده است.

درباره رشد قارچ‌گونه برنامه‌های گفت‌وگومحور در فضای مجازی

گفت‌وگوهایی برای بازتعریف جامعه

همان ارزش‌ها و انگاره‌ها را در قالبی شیک‌تر و قابل‌قبول‌تر بازتولید می‌کردند. با آغاز جنگ اما این برنامه‌ها به شکلی عجیب رشد کردند و به سرعت در فضای مجازی وایرال شدند؛ رشدی که نمی‌توان نقش مدیریت فضای مجازی، تبلیغات گسترده و تقویت هدفمند این محتواها را در آن نادیده گرفت. اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود و حتی فوتبال و برنامه‌های ورزشی نیز به دستاویزی برای تکمیل همین پروژه تبدیل شده‌اند.



سعید مصباح
 روزنامه‌نگار

مدتی است برنامه‌های گفت‌وگومحور مانند قارچ در فضای مجازی رشد می‌کنند؛ برنامه‌هایی که هرکدام با نام و عنوانی متفاوت، از اندیشه و فلسفه گرفته تا سیاست و جامعه، تلاش می‌کنند خود را به عنوان مرجع جدید گفت‌وگو و تحلیل به مخاطب عرضه کنند. «مدرسه آزاد فکری»، «ایران‌تاک» و نمونه‌های مشابه، بخشی از همین جریان هستند؛ تولیداتی که در ظاهر قرار است فضای گفت‌وگو را گسترش دهند، اما با مرور مهمانان، موضوعات و جهت‌گیری‌هایشان می‌توان دریافت که مسئله صرفاً گفت‌وگو نیست و هرکدام به شکلی در حال ارائه تصویری تازه از جامعه و ارزش‌های مطلوب خود هستند.

پیش از جنگ، برخی از این برنامه‌ها با دعوت از چهره‌های برانداز و مخالف جمهوری اسلامی، عملاً تریبونی گسترده برای طرح دیدگاه‌های آنان فراهم می‌کردند و برخی دیگر نیز بدون آنکه مستقیماً وارد ادبیات براندازانه شوند، تلاش می‌کردند ارزش‌های سیاسی و اجتماعی جامعه را از مسیر دیگری بازتعریف کنند. همان انگاره‌های همیشگی درباره آزادی، توسعه، سبک زندگی و نسبت ایران با غرب، این بار نه از زبان فعال سیاسی خارج‌نشین، بلکه از زبان چهره‌هایی با ظاهر دانشگاهی و روشنفکرانه تکرار می‌شد؛ به‌گونه‌ای که نه سیخ بسوزد و نه کباب. اما پس از آغاز جنگ، اتفاقی قابل تأمل رخ داد. این برنامه‌ها به شکلی عجیب رشد کردند و محتوایی که پیش از آن شاید مخاطب محدودی داشت، ناگهان با سرعتی قابل توجه در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد. اینکه این رشد صرفاً نتیجه علاقه ناگهانی مردم به گفت‌وگوهای فکری باشد، چندان قابل قبول نیست. مدیریت فضای مجازی، سازوکار الگوریتم‌ها و تبلیغات گسترده، بی‌تردید در دیده‌شدن برخی برنامه‌ها و چهره‌ها نقش دارند. با این تقاسیر، پرسش این است که چگونه برخی محتواها با سرعت به دست مخاطب می‌رسند و برخی

درستایش

هوشمندسازی ممیزی

مسعود حنیفی
 روزنامه‌نگار

اعمال ممیزی گسترده در دنیای مدرن امروز نمی‌تواند به‌طور قطع کارآمد باشد، زیرا هزینه‌های سنگین سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را به حاکمیت تحمیل می‌کند. از این رو، گذار از شیوه‌های سنتی ممیزی تا اعمال حاکمیت فرهنگی به‌شکل هوشمند برای بقا، ثبات و کارآمدی هر سیستم سیاسی به یک ضرورت استراتژیک و اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است.

سانسور کور و همه‌جانبه، بلافاصله «اثر استرایسند» را در جامعه فعال می‌کند؛ به این معنا که ممنوعیت، خود به بهترین ابزار تبلیغ برای محتوای سانسورشده تبدیل شده و اشتیاق عمومی را برای دسترسی به آن دوچندان می‌سازد. این تقابل مستقیم و نابرابر، ضربه زیادی به سرمایه اجتماعی وارد می‌کند و بی‌اعتمادی عمیقی را در لایه‌های مختلف جامعه نهاده‌ینه می‌سازد و در نهایت، حاکمیت را مجبور به پرداخت هزینه‌های گزاف امنیتی و نظامی برای مواجهه با نارضایتی‌های فرزاینده و روزمره می‌کند. علاوه بر پیامدهای امنیتی، تنظیم‌گری در قالب روابط دمه‌د و کهنه، تأثیرات مخرب مستقیمی بر اقتصاد کلان می‌گذارد و محدودیت‌های بی‌رویه در جریان آزاد اطلاعات و ارتباطات، باعث فرار گسترده نخبگان، کاهش شدید سرمایه‌گذاری خارجی و انزوای تدریجی بین‌المللی می‌شود؛ در نتیجه بار مالی ویرانگر آن بردوش ساختار حاکمیت خواهد افتاد. در مقابل، ممیزی هوشمند با حداقل‌سازی اصطکاک، این هزینه‌های سرسام‌آور را مدیریت می‌کند. در این مدل مدرن، حاکمیت به جای تقابل مستقیم با کل بدنه جامعه، تنها بر خطوط قرمز بنیادین و حیاتی تمرکز می‌کند و اجازه می‌دهد انتقادات جزئی، صنفی و حاشیه‌ای در فضای عمومی جریان یابد.

این فضای کنترل‌شده به عنوان یک سوپاپ اطمینان عمل کرده و خشم فروخورده مخاطب هدف غربگرا را به‌طور ایمن تخلیه می‌کند. سانسور هوشمند به جای فیلترهای فیزیکی پرهزینه، از ابزارهای نرم مانند الگوریتم‌های هدایت‌گر، تولید محتوای انحرافی و ترویج «خودسانسوری» استفاده می‌کند. در این پارادایم، هزینه سانسور از دوش حاکمیت برداشته شده و به دوش خود افراد و پلتفرم‌ها منتقل می‌شود. در نهایت، این رویکرد با جلوگیری از قطعی شدن شدید جامعه و قهرمان‌سازی برای سانسورشدگان، ضمن حفظ کنترل بر هسته مرکزی قدرت، از فرسایش مشروعیت سیستم جلوگیری کرده و کمترین هزینه ممکن را برای تداوم و ثبات حاکمیت به همراه خواهد داشت و در درازمدت تضمین‌کننده بقای پایدار آن است.



مازیار رضاخانی، دبیر نخستین جشنواره بین‌المللی لالایی‌های بیداری میناب، از برگزاری این رویداد مهم هنری با مشارکت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی خبر داد. به گفته وی، فراخوان نخستین دوره این جشنواره